

## شرح قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح

محمدرضا یزدانیان (مدیرکل حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح)

(قسمت دوم)

**ماده ۱۰:** ملاک تعیین صلاحیت دادگاه‌های نظامی، مجازات اصلی جرم است و توأم بودن حبس با مجازات‌های دیگر و همچنین تبدیلی، تأثیری در صلاحیت ندارد.

**\*\* شرح ماده:**

۱- مقنن در مقام بیان تعیین ملاک صلاحیت دادگاه‌های نظامی در مواردی که حبس با «مجازات‌های دیگر» توأم باشد، بوده که «ملاک و ضابطه» مورد نظر را «مجازات حبس» دانسته است. البته شایان ذکر است که بحث صلاحیت، از مباحث آیین دادرسی کیفری می‌باشد که جای طرح آن در قانون آیین دادرسی است.

۲- هر چند که عبارت «ملاک تعیین صلاحیت دادگاه‌های نظامی، مجازات اصلی جرم است» مراد مقنن را نمی‌رساند و سایر مجازات‌ها مانند شلاق و جزای نقدی نیز می‌توانند در حوزه تعریف مجازات‌های اصلی قرار گیرند، لیکن قانونگذار با ذکر عبارت تکمیلی «و توأم بودن حبس با مجازات‌های دیگر و همچنین تبدیلی، تأثیری در صلاحیت ندارند.» منظور خود را بیان نموده است.

۳- تعیین حبس به عنوان ملاک صلاحیت دادگاه‌های نظامی به این معنا نیست که اگر مجازات حبس (کمتر از ده سال) با یکی از مجازات‌های شدیدتر از حبس که رسیدگی به جرایم مربوط در صلاحیت دادگاه‌های نظامی یک است توأم باشد، دادگاه نظامی دو صالح به رسیدگی می‌باشد. به عبارت دیگر، تفسیر ماده (۱۰) باید با رعایت مقررات مادتین (۷) و (۸) قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری (۲۰۱) که ناظر بر صلاحیت دادگاه‌های نظامی یک و دو است، صورت گیرد.

۴- با توجه به مقررات مواد (۷) و (۸) قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری (۲۰۱) و ماده (۱۰) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، اگر مجازات جرمی حبس کمتر از ده سال و جزای نقدی بیش از دو میلیون ریال باشد، دادگاه نظامی دو صالح به رسیدگی می‌باشد.

۵- اگر مجازات جرمی حبس کمتر از ده سال و یا جزای نقدی بیش از دو میلیون ریال (به روش تخییر) باشد، آیا دادگاه نظامی دو با توجه به میزان مجازات حبس، صلاحیت رسیدگی دارد یا دادگاه نظامی یک با توجه به مبلغ جزای نقدی؟ در پاسخ به این سؤال، دو نظریه قابل بحث و بررسی است:

### نظریه اول:

با توجه به مقررات ماده (۱۰) که ملاک صلاحیت دادگاه‌های نظامی را حبس دانسته و توأم بودن مجازات حبس با سایر مجازات‌ها را در تعیین صلاحیت بی‌تأثیر دانسته است، در فرض مزبور، دادگاه نظامی دو با توجه به میزان حبس که ملاک تعیین صلاحیت است، صالح به رسیدگی می‌باشد. به عبارت دیگر، ضابطه تعیین صلاحیت، مجازات حبس است و عبارت «توأم بودن» مذکور در ماده (۱۰) شامل فرض مورد سؤال نیز می‌شود.

### نظریه دوم:

با توجه به معنای لغوی و اصطلاحی و عرفی واژه «توأم» که حکایت از «با هم بودن»، «همراه بودن» و «اجتماع و جمع» دارد و با عنایت به اینکه در حقوق، الفاظ محمول بر معانی عرفی آنها می‌باشد، استنباط متیقن و منطبق با مفاد و مدلول ماده این است که مقررات ماده (۱۰) را فقط ناظر به مواردی بدانیم که برای جرمی علاوه بر مجازات حبس، جزای نقدی هم پیش‌بینی شده باشد و الاً اگر مجازات جرمی «حبس» و یا «جزای نقدی» به روش تخییر باشد، صلاحیت دادگاه با

توجه به مقررات مواد (۷) و (۸) قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری (۲۰۱) تعیین می‌شود، که در فرض مورد سؤال با توجه به اینکه جزای نقدی بیش از دو میلیون ریال می‌باشد، دادگاه نظامی یک صالح به رسیدگی است. اداره کل حقوقی قوه قضاییه، در پاسخ به این سؤال که «اگر مجازات جرمی حبس و در صلاحیت دادگاه کیفری دو باشد و میزان جزای نقدی آن بیش از دو میلیون ریال باشد، چنین جرمی در صلاحیت چه دادگاهی است؟» به موجب نظریه مشورتی شماره ۷/۱۶/۴ مورخ ۷۲/۴/۲۱، چنین اظهار نظر نموده است: «میزان جزای نقدی، ملاک صلاحیت دادگاه است. بنابراین، اگر میزان جزای نقدی متجاوز از دو میلیون ریال نباشد، رسیدگی در صلاحیت دادگاه کیفری دو و اگر بیشتر باشد، در صلاحیت دادگاه کیفری یک خواهد بود.»

مرجع مزبور همچنین به موجب نظریه مشورتی مورخ ۷۵/۶/۵، در پاسخ به این سؤال که «در مواردی مانند مواد (۵۹۶) و (۶۰۳) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) که میزان حبس کمتر از ده سال، ولی جزای نقدی بیش از دو میلیون ریال است، دادگاه نظامی یک صالح به رسیدگی می‌باشد یا دادگاه نظامی دو؟»

اعلام نموده: «چون جزای نقدی مقرر در مواد (۵۹۶) و (۶۰۳) قانون تعزیرات اخیرالتصویب، بیش از مبلغ دو میلیون ریال است، پس رسیدگی به جرایم مذکور در مواد یادشده با توجه به ماده (۳) قانون اصلاح دادرسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۶۸، در صلاحیت دادگاه نظامی یک است.» هرچند تاریخ صدور نظریات اداره کل حقوقی قوه قضاییه قبل از تصویب قانون جدید بوده و نظرات مزبور شامل هر دو فرض، یعنی مواردی که «حبس با جزای نقدی توأم باشد» و یا «حبس و جزای نقدی به روش تخییر» پیش‌بینی شده باشد می‌شود؛ اما می‌توان از استدلال و ملاک نظریات مزبور استفاده نمود. به نظر می‌رسد، نظریه دوم از لحاظ استدلال حقوقی و انطباق با مفاد و مدلول ماده (۱۰) صائب باشد؛ گرچه برداشت‌های متفاوت قضایی از ماده، دخالت نظریات مشورتی و حتی رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور را می‌طلبد.

۶ - منظور از عبارت «همچنین تبدیلی» قطع نظر از اینکه از لحاظ نگارش، عبارتی رسا و مناسب به نظر نمی‌رسد، این است که اگر مجازات حبس به موجب قانون قابل تبدیل به مجازات دیگری باشد، مجازات تبدیل شده تأثیری در صلاحیت دادگاه ندارد. مثلاً مجازات جرم اهانت به مافوق. وفق ماده (۴۸) قانون مجازات جرایم ن. م، حبس از دو ماه تا یک سال است، که رسیدگی به جرم مزبور در صلاحیت دادگاه نظامی دو قرار دارد. حال اگر دادگاه بخواهد مجازات موصوف را به استناد ماده (۳) همین قانون، به جزای نقدی (که حداکثر آن بیش از دو میلیون ریال است) تبدیل نماید، این موضوع تأثیری در صلاحیت دادگاه ندارد و ملاک صلاحیت دادگاه همان مجازات اصلی جرم (حبس) می‌باشد. به نظر می‌رسد با توجه به اختلاف دیدگاه‌های حقوقی که قبل از تصویب قانون جدید در این مورد بین قضات محترم وجود داشت، هدف اصلی مقنن از تدوین ماده (۱۰) ایجاد رویه واحد قضایی در این خصوص بود که اقدام مزبور از این لحاظ مطلوب و ضروری بود.

**ماده ۱۱:** دادگاه‌های نظامی می‌توانند به درخواست محکوم‌علیه و پیشنهاد دادستان و رعایت مقررات مربوط به زندان باز و نیمه باز، مدت حبس وی را که بیش از یک سال نباشد، به حبس با خدمت تبدیل نمایند. در این صورت، محکومان مذکور به یگان مربوط یا مراکزی که نیروهای مسلح برای خدمت تعیین می‌کنند معرفی شده و پس از خدمت روزانه در بازداشتگاه یگان یا مرکزی که تعیین شده نگهداری می‌شوند.

تبصره - مقررات اجرایی حبس با خدمت، نحوه هماهنگی با فرمانده مربوط و وضعیت خدمتی این گونه افراد به موجب دستور العملی خواهد بود که ظرف مدت سه ماه پس از تصویب این قانون

توسط سازمان قضایی نیروهای مسلح با همکاری ستاد کل نیروهای مسلح تهیه و به تصویب رئیس قوه قضاییه خواهد رسید.

### **\*\* شرح ماده:**

مقررات ماده (۱۱) یعنی "تأسیس حقوقی جدید حبس با خدمت" یکی از سیاست‌های اصولی و راهبردی قانون جدید است که با اهداف اصلاح اخلاقی، درمانی، بازسازی و نوسازی محکومان به حبس و حفظ توان و استعداد های رزمی و مهارت های شغلی و تخصصی آنان پیش‌بینی شده و بر اساس آن. دادگاه‌های نظامی می‌توانند به درخواست محکوم علیه و پیشنهاد دادستان و رعایت مقررات مربوط به زندان باز و نیمه باز، مدت حبس محکوم علیه را که بیش از یک سال نباشد به حبس با خدمت تبدیل نمایند.

۱ - تبدیل مجازات حبس به "حبس با خدمت" اختیاری بوده و درخواست محکوم علیه و یا پیشنهاد دادستان الزامی برای دادگاه ایجاد نمی‌کند.

۲ - اعمال مقررات ماده (۱۱) توسط دادگاه منوط به درخواست محکوم علیه و پیشنهاد دادستان می‌باشد.

۳ - رعایت مقررات مربوط به زندان باز و نیمه باز، مربوط به مقررات اجرایی حبس با خدمت موضوع دستورالعمل تبصره ماده (۱۱) بوده که تحت نظر دادستان اجرا می‌گردد. پس الزام دادگاه به رعایت مقررات زندان باز و نیمه باز با وظایف دادگاه در دادرسی کیفری هماهنگی ندارد.

۴ - ماده (۷) آیین‌نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب سال ۸۰، مقرر داشته: «زندان نیمه‌باز، زندانی است محصور که در پوشش خارجی دارای حفاظت مناسب باشد و در آن زندانیان به طور گروهی با تعداد کافی مأمور مراقب بدون اسلحه به کار اعزام می‌گردند و پس از خاتمه کار مجدداً به آسایشگاه‌های خود عودت داده می‌شوند.» ماده (۹) آیین‌نامه مزبور نیز در تعریف زندان باز عنوان نموده «زندان باز زندانی است بدون حفاظت و مأمور مراقب که زندانی مدت محکومیت خود را در آن با اشتغال به کار یا خدمت می‌گذراند و حق خروج از زندان را نداشته و شبها در نزدیکترین آسایشگاهی که به همین منظور تعیین شده است استراحت می‌نماید.»

۵ - زندان‌های باز و نیمه باز هرکدام تعریف، شرایط و مقررات خاص خود را دارند و ذکر عبارت «رعایت مقررات مربوط به زندان باز و نیمه باز» به معنای جمع مقررات دو سیستم مختلف زندان نمی‌باشد، بلکه با توجه به شرایط و تعریف و ویژگی های خاص بازداشتگاه‌های نظامی، مقنن مقرر نموده نحوه نگهداری محکومین "حبس با خدمت" در بازداشتگاه‌های مزبور حسب مورد با رعایت مقررات زندان‌های باز و نیمه باز باشد.

۶ - مقررات حبس با خدمت در مورد محکومانی قابل اعمال است که مجازات حبس آنان در دادنامه بیش از یک سال نباشد.

۷ - توأم بودن حبس با سایر مجازات‌ها مانع اعمال مقررات حبس با خدمت نمی‌باشد.

۸ - سابقه محکومیت محکوم علیه و یا استفاده قبلی وی از مقررات "حبس با خدمت" مانع استفاده مجدد محکوم علیه از این امتیاز نخواهد بود.

۹ - مقررات اجرایی حبس با خدمت، نحوه هماهنگی با فرمانده مربوط و وضعیت خدمتی این‌گونه افراد به موجب دستورالعملی خواهد بود که توسط سازمان قضایی نیروهای مسلح با همکاری ستاد کل نیروهای مسلح تهیه و به تصویب رئیس قوه قضاییه خواهد رسید. پیش‌نویس دستورالعمل مزبور توسط سازمان قضایی تهیه شده که پس از طی مراحل قانونی و تصویب ابلاغ خواهد شد.

۱۰ - وفق مقررات تبصره "۴" ماده (۱۱۵) قانون جدید مقررات استخدامی نیروی انتظامی مصوب ۱۳۸۲، فرمانده نیروی انتظامی می‌تواند حسب ضرورت و مصالح سازمان، برای کارکنانی که حداکثر تا دو سال زندان محکوم می‌شوند، پیشنهاد

حبس با خدمت به مرجع قضایی ارائه نماید. در این صورت، کارکنان مزبور بابت ایام خدمت، از حقوق و مزایای مربوط برخوردار خواهند شد.

بنابراین، کارکنان ناجا که محکومیت حبس آنان حداکثر تا دو سال باشد، می‌توانند از امتیاز مذکور در تبصره با رعایت شرایط و مقررات آن استفاده کنند. مقررات موصوف مدت حبس مقرر در ماده (۱۱) قانون مجازات جرایم ن.م، را در خصوص محکومان ناجا که فرمانده نیروی انتظامی حسب ضرورت و مصالح سازمان، پیشنهاد تبدیل مجازات حبس آنان را به "حبس با خدمت" به مرجع قضایی ارائه دهد، از یک‌سال به دو سال افزایش داده است. البته مقررات مزبور مغایرتی با مقررات ماده (۱۱) قانون مجازات جرایم ن.م، ندارد.

**ماده ۱۲:** اعضای ثابت نیروهای مسلح که به موجب احکام قطعی دادگاه‌ها در جرایم عمدی به مجازات‌های زیر محکوم می‌شوند، از زمان قطعیت حکم از خدمت اخراج می‌گردند:

الف) محکومیت یا محکومیت‌های (در صورت تعدد) به حبس غیر تعلیقی زاید بر پنج سال؛

ب) محکومیت به حدود؛

ج) محکومیت به سبب ارتکاب جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور؛

د) محکومیت به قصاص نفس یا قطع عضو.

تبصره ۱ - در صورت وجود شرایط خاص خدمتی و عدم مصلحت اخراج از خدمت، با تقاضای فرمانده مربوط یا دادستان، دادگاه می‌تواند با ذکر دلایل و تصریح در متن حکم، اجرای اثر تبعی حکم را طبق مقررات مربوط به تعلیق در قانون مجازات اسلامی مصوب ۷۵/۳/۲ معلق نماید.

تبصره ۲ - به خدمت اعضای پیمانی یا قراردادی نیروهای مسلح به محض قطعیت شدن محکومیت‌های فوق. پایان داده خواهد شد.

تبصره ۳ - در صورتی که کارکنان پایور نیروهای مسلح به حبس از دو سال تا پنج سال محکوم شوند، اخراج از خدمت (انفصال، بازخریدی و یا بازنشستگی) با توجه به نوع جرم و با رعایت مقررات استخدامی نیروهای مسلح، با رأی کمیسیون‌های انضباطی نیروهای مسلح خواهد بود.

**\*\* شرح ماده :**

۱- موضوع محکومیت ماده (۱۲) جرایم عمدی بوده و جرایم غیر عمدی از شمول مقررات ماده مزبور خارج است.

۲- زمان اخراج از خدمت زمان قطعیت حکم خواهد بود، نه زمان صدور و یا اجرای حکم.

۳- در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب سال ۷۱، مدت محکومیت به حبس غیر تعلیقی موجب اخراج، بیش از دو سال پیش‌بینی شده بود که این مدت در قانون جدید به بیش از پنج سال افزایش پیدا کرده است.

۴- مقررات تعلیق اجرای مجازات در قانون مجازات اسلامی مصوب ۷۰/۵/۸، که به موجب قانون تمدید مدت آزمایشی قانون مجازات اسلامی مصوب ۷۵/۱۲/۱۲، مدت اجرای آزمایشی آن ده سال تمدید گردیده، پیش‌بینی شده که به نظر می‌رسد تاریخ مندرج در تبصره "۱" ماده (۱۲) (۷۵/۳/۲) اشتباه تایپی باشد.

۵- سیاست تعلیق اثر تبعی اخراج از خدمت در مورد محکومیت‌های منجر به اخراج از خدمت، یکی از سیاست‌های کیفری مفید قانون جدید بوده که قانونگذار در راستای اهداف اصلاحی مجازات و با منظور فراهم نمودن زمینه بازگشت محکومین نظامی به خدمت و اشتغال مجدد آنان، به دادگاه‌های نظامی اجازه داده که در صورت وجود شرایط خاص

خدمتی و عدم مصلحت اخراج از خدمت، با تقاضای فرمانده مربوط یا دادستان، با ذکر دلایل و تصریح در متن حکم، اجرای اثر تبعی حکم «یعنی اخراج از خدمت» را به حالت تعلیق درآورند.

۶- کمیسیون مشورتی قضایی و حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح، درخصوص زمان صدور قرار تعلیق اجرای اثر تبعی حکم به موجب نظریه مشورتی مورخ ۸۳/۲/۱۴ چنین اظهارنظر نموده است: «با عنایت به اینکه در تبصره ۱ ماده (۱۲) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، تصریح شده که دادگاه می‌تواند با ذکر دلایل و تصریح در متن حکم، اجرای اثر تبعی حکم را طبق مقررات مربوط به تعلیق در قانون مجازات اسلامی معلق نماید؛ لذا با توجه به مقررات ماده (۲۷) قانون مجازات اسلامی، تعلیق اثر تبعی حکم باید ضمن صدور حکم محکومیت باشد.»

۷- به موجب نظریه مشورتی شماره ۷/۵۲۵۸ مورخ ۶۷/۸/۲ اداره کل حقوقی قوه قضاییه، تعلیق اجرای حکم به موجب رأی یا قرار مؤخر، فاقد مجوز قانونی است.

۸- اعضای پیمانی یا قراردادی نیروهای مسلح به محض قطعیت محکومیت‌های مذکور در ماده (۱۲)، از خدمت اخراج می‌گردند و نمی‌توانند از مقررات مذکور در تبصره ۱ ماده (۱۲) استفاده نمایند.

۹- وضعیت خدمتی کارکنان پایور نیروهای مسلح که به حبس از دو تا پنج سال محکوم می‌شوند، وفق مقررات تبصره ۳ با رأی کمیسیون‌های انضباطی نیروهای مسلح مشخص می‌شود. نکته شایان ذکر این است که در تدوین متن تبصره دقت لازم به عمل نیامده و نحوه اخراج از خدمت را به صورت (انفصال یا بازخریدی و یا بازنشستگی) ذکر کرده؛ در حالی که هر یک از این اصطلاحات دارای تعریف، شرایط، مقررات، آثار و مفهوم حقوقی خاص و جداگانه‌ای هستند و نمی‌توانند از اقسام اخراج محسوب شوند. به نظر می‌رسد، مقنن در مقام بیان اشکال مختلف رهایی یا معافیت از خدمت بوده که در اثر مسامحه در نگارش به جای عبارت «رهایی از خدمت» یا «معافیت از خدمت» واژه «اخراج» را به کار برده است. ضمن آنکه باید به جای واژه «انفصال» نیز از کلمه (اخراج) استفاده می‌شد؛ زیرا قطع نظر از اینکه هر کدام از این دو مفهوم تعریف و آثار حقوقی خاص خود را دارند، موضوع اثر تبعی محکومیت‌های مذکور در ماده (۱۲) نیز اخراج از خدمت است، نه «انفصال از خدمات دولتی» مگر آن که مراد از انفصال را ممنوعیت از انجام خدمت یا اشتغال در سازمان نظامی مربوط بدانیم، که در این مورد می‌توان آن را معادل اخراج دانست.

**ماده ۱۳: عفو محکومان نظامی شامل آثار تبعی آن نمی‌گردد، مگر اینکه تصریح شده باشد.**

**\*\* شرح ماده:**

مقنن در ماده (۱۳) در مقام بیان این موضوع بوده که عفو محکومان نظامی، آثار محکومیت را از بین نمی‌برد؛ بنابراین، منظور از عبارت «آثار تبعی آن» آثار محکومیت کیفری است. به عبارت دیگر، کلمه (آن) اشاره به محکومیت کیفری دارد. معمولاً آثار عفو عمومی و دایره شمول آن توسط مقنن در متن قانون ذکر می‌شود؛ در صورتی که در متن قانون عفو عمومی ترتیب خاصی مقرر نشده باشد، عفو عمومی باعث سقوط دعوای عمومی، توقف اجرای مجازات و زایل نمودن آثار محکومیت کیفری می‌گردد؛ ضمن آنکه تأثیری در حق مدعی خصوصی نخواهد داشت. به موجب رأی وحدت رویه ردیف ۵۹/۲۴ مورخ ۵۹/۱۲/۱۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور «آثار محکومیت کیفری که شامل مجازات‌های تبعی نیز می‌باشد، طبق ماده (۵۵) قانون مجازات عمومی؛ با تصویب قانون عفو عمومی زایل می‌گردد، بنابراین، محکومیت‌های کیفری مربوط به قبل از تصویب لایحه قانونی عفو عمومی متهمان و محکومان جزایی مصوب ۵۸/۲/۱۸ در صورتی که بزه‌های موضوع این محکومیت‌ها از مستثنیات مصرحه در لایحه قانونی مذکور نباشد، فاقد آثار کیفری بوده و در صورت ارتکاب بزه جدید از ناحیه محکوم علیه، رعایت مقررات مربوط به تکرار جرم جایز نیست و رأی ... لازم الاتباع است.» در

ماده (۵۵) قانون مجازات عمومی آمده بود: "عفو عمومی که به موجب قانون مخصوص اعطا می‌شود، تعقیب و دادرسی را موقوف و در صورت صدور حکم محکومیت. اجرای مجازات را متوقف و آثار محکومیت را زایل می‌کند."

تبصره "۴" ماده (۶۲) مکرر قانون مجازات اسلامی (الحاقی ۷۷/۲/۲۷) مقرر نموده که عفو مجرم موجب زوال آثار مجازات نمی‌شود. مگر اینکه تصریح شده باشد. اداره کل حقوقی قوه قضاییه، در ارتباط با موضوع این ماده به موجب نظریه مشورتی شماره ۷/۱۳۷۸ مورخ ۷۹/۳/۲ چنین اظهار نظر نموده است. "عفو عمومی که به تصویب قوه مقننه می‌رسد رافع آثار جرم و محکومیت است. سایر عفوها فقط اجرای حکم را موقوف می‌کند؛ اما آثار محکومیت به حال خود باقی است. بنابراین، محکومینی که قبل از اتمام مجازات، مشمول عفو و از زندان آزاد شده‌اند، عفو آنان رافع آثار قبلی ناشی از ماده (۶۲) مکرر ق.م.ا، نمی‌شود." همچنین مرجع مزبور به موجب نظریه مشورتی شماره ۷/۲۸۸۴ - ۷۳/۴/۲۹ عنوان نموده "که عفو شامل انفصال از خدمت نمی‌شود، مگر در موارد مصرح در قانون."

بنابراین، با توجه به صراحت ماده (۱۳) عفو. آثار محکومیت کیفری محکومان نظامی را زایل نمی‌کند، مگر این که ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

**ادامه دارد**